

### Philosophy of Nursing Education

رسالت حرفه پرستاری، ارتقای سلامت افراد سالم و بیمار، پیشگیری از بیماری‌ها و عرضه خدمات مراقبتی و حمایتی به بیماران است، بیمارانی که از مشکلات جسمی و روانی رنج می‌برند یا در شرف مرگ هستند. براساس چنین تعریفی، حیطه‌های عملکرد و اثرگذاری پرستاری، بسیار گسترده است و تمام افراد سالم و بیمار و خانواده‌های آنان، در هر سن و هر طبقه اجتماعی را دربرمی‌گیرد (ICN, 2002) برای ایفای چنین عملکردهایی، تربیت افراد متخصص لازم است، که برهمن اساس دانشکده‌های گوناگون هر ساله پرستاران زیادی را تحت آموزش قرار می‌دهند.

آموزش پرستاری جهت انجام وظایف حرفه‌ای، با هدف تربیت و آماده کردن پرستاران انجام می‌شود. به‌طور رسمی، تاریخچه آموزش پرستاری نوین به‌زمان فلورانس نایتینگل<sup>۱</sup> باز می‌گردد. از آن زمان بود که کارآموزی‌های حرفه‌ای پرستاری آغاز شد. اغلب، این کارآموزی‌ها در مکان‌های مذهبی مانند صومعه‌ها صورت می‌گرفت و زنان جوان بیشترین افراد فعال در این حیطه را تشکیل می‌دادند. در ۱۸۶۰ م، نایتینگل نخستین مدرسه آموزش پرستاری را در بیمارستان سنت توماس لندن دایر و از برنامه درسی آموزش پرستاری رونمایی کرد. برنامه درسی آموزشی که وی طراحی کرده بود، بیشتر به بخش‌های عملی پرستاری، آموزش بهداشت و شایستگی‌های بالینی پرستاران تمرکز داشت (monteiro, 1985:181). پس از نایتینگل، روند آموزش پرستاری، به شیوه‌های گوناگون، اغلب در مراکز مذهبی و گاه در مؤسسات بیمارستانی ادامه یافت تا اینکه در

1. Florence Nightingale

۱۹۵۵ م، گروهی از پژوهشگران سازمان جهانی بهداشت در طی نشست در بروکسل، اعلام کردند که هر کشور باید، حداقل یک آموزشگاه پرستاری دایر کند و توصیه‌هایی را در این خصوص به کشورها ابلاغ کردند (Medical News, 1956:122). به‌طور رسمی یک سال بعد، برنامه‌های دانشگاهی در برخی از کشورها مانند انگلستان، برای تربیت پرستاران شروع شد. طول این دوره آموزشی نوین، چهار تا پنج سال بود (Monteiro, 1985:181).

از آن زمان تاکنون، آموزش پرستاری تغییرات گسترده‌ای را تحت تأثیر عواملی همچون پیشرفت‌های فناوری در ساخت تجهیزات تشخیصی و درمانی، جهانی‌شدن و تغییر در اقتضات مراقبتی و درمانی تجربه کرده است (Stanley & Dougherty, 2010:379). یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر روند تغییرات در این حوزه، نتایج مطالعاتی است که به نقد کیفیت پایین‌تر از استاندارد در مراقبت پرداخته است (Mackintosh- Franklin, 2016: 71). این فرایند موجب دگرگونی فلسفه آموزش پرستاری در کشورهای گوناگون شد و برنامه‌ریزان حوزه آموزش را بر آن داشت تا به بازنگری مبانی فلسفی و زیربنایی آموزش پرستاری بپردازند (Darbyshire & McKenna, 2013:305). این امر به‌منظور حصول اطمینان از تربیت پرستارانی متعهدتر، تفکری نقادانه و توانمند در انجام قضاوت اخلاقی در بالین، انجام داده است که مستلزم بازنگری بیانیه‌های فلسفه در هر سازمان آموزشی است (Stanley & Dougherty, 2010: 379; Mackintosh-Franklin, 2016: 74).

به‌منظور تعیین فلسفه آموزش پرستاری بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، یافتن رویکردی ثابت بر مبنای فلسفه آموزش پرستاری ممکن نیست و نمی‌توان طی دوره‌های گوناگون تاریخی و حتی در بازه زمانی، فلسفه‌ای واحد را به‌منزله فلسفه آموزش پرستاری معرفی کرد. از زمان نایتینگل تاکنون، متخصصان آموزش پرستاری، برنامه‌های خویش را بر مبنای فلسفی گوناگونی بنیان گذارده‌اند که هرچند

اشتراک‌های زیادی باهم داشته‌اند، اما به دلیل تفاوت در رویکردهای گوناگونی که این متخصصان در تعریف بنیان‌های پرستاری مانند معنای مراقبت، اتخاذ کرده بودند، تفاوت‌های چشمگیری در این برنامه‌ها به وجود آمد. تفاوت در فلسفه فردی افراد نیز، علت دیگر این گوناگونی است، زیرا نمی‌توان انکار کرد که هر فرد با فلسفه فردی خود وارد حرفه پرستاری می‌شود که بر معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و مبانی ارزشی حرفه اثرگذار است (Marchuk, 2014:266). این امر تعیین فلسفه‌ای واحد در نظام آموزشی را با مشکلاتی همراه می‌سازد. علاوه بر آن، نتایج مطالعات نشان می‌دهد در بسیاری از برنامه‌های آموزش پرستاری، نه تنها مبانی فلسفی از طریق متخصصان آموزشی شناسایی نشده است، بلکه حتی به اندازه کافی نیز به‌منزله مدرک مکتوب کلیدی، به آنها بها داده نشده است (Mackintosh: 71 Franklin, 2016). در همین راستا، نتایج مطالعات رالف و گاردنر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) نشان می‌دهد هر یک از متخصصان حوزه آموزش پرستاری، اولویت‌ها و تعهدات گوناگونی دارند که آن را در برنامه‌های آموزشی، لحاظ می‌کنند. در نتیجه موانعی جهت توسعه حرفه پرستاری به وجود آمد و تمام این نقص‌ها به بهای از دست رفتن توانمندی‌ها و قابلیت‌های دانشجویان تمام شد (Rolfe & Lyn, 2006: 326).

برخلاف چنین محدودیت‌هایی، شاید یکی از مقبول‌ترین راه‌های تعیین فلسفه آموزش پرستاری، توجه به عملکرد پرستاری و تعریف مفهوم «پرستاری» باشد که از زمان نایتینگل به‌منزله نخستین نظریه‌پرداز و فیلسوف پرستاری نوین، مورد کنکاش قرار گرفته است. نایتینگل در جست‌وجوی آن بود که بیان کند، پرستاری «چه چیزی است» و «چه چیزی نیست»، تا از این رهگذر به معرفی پرستاری به‌منزله رشته‌ای جدید و ارزشمند پردازد و جایگاه

1. Rolfe & Gardner

آن را در میان سایر حرفه‌های پزشکی، تثبیت کند (Nightingale, 1992:107). تا اواسط قرن بیستم میلادی، یعنی زمانی که پایه‌های آموزش عالی پرستاری بنا نهاده شد نیاز برای داشتن تعریف از پرستاری و تعیین حدود و ثغور آن، ادامه یافت. این امر متخصصان حیطه آموزش پرستاری را به سوی انتشار الگوها و مبانی نظری پرستاری، هدایت کرد و نظریه‌پردازانی همچون اورم<sup>۲</sup> (۱۹۷۱)، واتسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۸ و ۱۹۸۹)، و لنینگر<sup>۴</sup> (۱۹۹۵)، به بررسی علمی و موشکافانه مفهوم پرستاری پرداختند و الگوهایی را در این زمینه عرضه کردند (Alligood, 2014: 79, 240, 417). رشد کمی و توسعه فزاینده چنین الگوهایی، برخی از صاحب‌نظران آموزش پرستاری را به بررسی زیربناهای فلسفی پرستاری معطوف کرد؛ برای مثال، گریفین<sup>۵</sup> (۱۹۸۰)، در نوشته‌های خویش بر اهمیت فلسفه به‌منزله عاملی جهت گردهم آوردن و یکپارچه‌سازی عناصر گوناگون حرفه پرستاری پرداخت و پس از وی صاحب‌نظران حوزه آموزش پرستاری به دنبال راهی بودند تا هنر پرستاری را مبنای آموزش و عملکرد پرستاری تعریف کنند (Finfgeld-Connett, 2008: 381). زیرا هنر و جنبه‌های زیبایی‌شناختی پرستاری، یکی از راه‌های تعیین مبانی فلسفی آن است (Watson, 1994:3) و حتی امروز نیز در آموزش دانشجویان پرستاری بدان پرداخته می‌شود و انتظار می‌رود دانشجویان علم و هنر پرستاری را باهم بیامیزند و در مراقبت از بیماران به کار گیرند (Idczak, 2007:66). بررسی برنامه‌های نوین آموزش پرستاری در جهان نشان از این دارد که اغلب متخصصان آموزش پرستاری، فلسفه آموزشی خویش را بر مبنای دو مؤلفه اصلی بیان شده در تعریف

2. Orem  
3. Watson  
4. Leininger  
5. Griffin

## فلسفه آموزش پرستاری

با این وصف، چنانچه هدف از تربیت پرستار، پرورش متخصصانی باشد که به این مبنای فلسفی پایبند باشند، نیاز است تا در حوزه آموزش نیز چنین فلسفه‌ای را زیربنای عملکرد قرار داد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فلسفی در امر آموزش پرستاری، پایبندی به اصول اخلاقی است. اخلاق از شاخه‌های اصلی فلسفه است که یکی از اجزای جدا نشدنی از فلسفه مراقبت پرستاری است (Alligood, 2014: 417). مراقبت به منزله ارزشی اخلاقی در پرستاری محسوب می‌شود (Watson, 2003:197).

مرور ادبیات این حوزه نشان می‌دهد، نوشته‌های کارپر<sup>۶</sup> (۱۹۷۹)، یکی از قدیمی‌ترین آثاری است که ارتباط بین دانش مراقبت و فلسفه اخلاق را مورد توجه قرار داده است و مراقبت را ارزشی اخلاقی می‌داند که نتیجه آموزش مناسب، کسب دانش به همراه آراستگی به فضایی همچون صبر، شجاعت، صداقت، فروتنی، اعتماد و امید است (Carper, 1979:11). با این وصف برخلاف اختلاف نظر میان متخصصان آموزش پرستاری در خصوص ریشه‌های فلسفی آموزش پرستاری، فلسفه اخلاق وجه مشترک تمام مبانی فلسفی آموزش پرستاری محسوب می‌شود.

### کتاب‌شناسی

- Alligood, M. R. (2014), "Nursing Theorists and Their Work". Elsevier Health Sciences.
- Carper, Barbara A. (1979), The ethics of caring. *Advances in nursing Science*, 1(3), 11-20 .
- Darbyshire, Philip & McKenna, Lisa. (2013). Nursing's crisis of care: what part does nursing education own? *Nurse education today*, 33(4), 305-307 .
- Finfgeld-Connett, Deborah. (2008). "Concept synthesis of the art of nursing". *Journal of Advanced Nursing*, 62(3), 381-388.
- ICN. (2002) Definition of Nursing. Retrieved 2016/20/11

6. Carper

پرستاری، یعنی علم و هنر، بنا کرده‌اند. علم و هنر پرستاری، منعکس‌کننده مفاهیم فرا انگاره<sup>۱</sup> از پرستاری (انسان، محیط، سلامت و پرستاری) است و حاکی از آن است که پرستاری حرفه‌ای عملی است که ریشه‌هایی در دانش، پژوهش و اخلاق دارد.

در ۲۰۰۹ م یکی از چهارچوب‌هایی که در آن به مبانی فلسفی آموزش پرستاری پرداخته شد نظریه ساواتسکی<sup>۲</sup> و همکاران وی است. اهمیت فلسفه زیربنایی آموزش پرستاری در این نظریه مورد توجه قرار گرفت و در آن عنوان شد که این فلسفه پایه‌ای برای مراقبت اخلاق‌مدار، فراهم می‌کند. از منظر این نظریه‌پردازان، فلسفه آموزش پرستاری، باید پایه‌هایی برای تربیت متخصصانی تأمل‌گرا فراهم کند و دانشجویان پرستاری بیاموزند تا در تمام مقاطع تحصیلی، علاوه بر یادگیری وظایف شغلی، نگرش هوشمندانه‌تری به مسئولیت‌های حرفه‌ای خویش داشته باشند (Sawatzky, et. al, 2009:260). در همین راستا، پرت<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) معتقد بود بیانیه‌ای فلسفی در حوزه آموزش، باید بیش از آنچه که به تعریف و توصیف محض اهداف و ابزارهای آموزشی بپردازد، نمایانگر ساختارها و ارزش‌های عمیقی باشد که به فرایند آموزش، معنا و روح می‌بخشند (Pratt, 2005:32).

در تعیین فلسفه آموزش پرستاری، میهان<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) با بررسی متون پرستاری مربوط به قرن نوزدهم میلادی به بعد، به این نتیجه رسید که رویکردهای فلسفی و زیربنایی پرستاری، بر اصولی همچون، «در اولویت قرار دادن شأن<sup>۵</sup> و منزلت انسان‌ها» و «تجربه واقعیت متعالی و نامتناهی در فرایندهای زندگی و سلامتی» بنا نهاده شده است که هدف از آن، رسیدن به شکوفایی انسان است، (Meehan, 2012:2905).

1. meta Paradigma
2. Sawatzky
3. Pratt
4. Meehan
5. Dignity

- <http://www.icn.ch/who-we-are/icn-definition-of-nursing/>
- Idczak, Sue Easter. (2007) "I am a nurse: nursing students learn the art and science of nursing", *Nursing Education Perspectives*, 28(2), 66-71 .
- Mackintosh-Franklin, Carolyn. (2016). "Nursing philosophy: A review of current pre registration curricula in the UK", *Nurse Education Today*, 37, 71-74. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.nedt.2015.11.023>
- Marchuk, Allison. (2014) "A personal nursing philosophy in practice", *Journal of Neonatal Nursing*, 20(6), 266-273. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jnn.2014.06.004>
- Medical News. (1956) *British Medical Journal*, 1(4958), 121-123. doi: 10.1136/bmj.1.4958.121
- Meehan, Therese C. (2012) "The Careful Nursing philosophy and professional practice model", *Journal of Clinical Nursing*, 21(19pt20), 2905-2916 .
- Monteiro, L. A. (1985) "Florence Nightingale on public health nursing", *American Journal of Public Health*, 75(2), 181-186.
- Nightingale, Florence. (1992) *Notes on nursing: What it is, and what it is not: Lippincott Williams & Wilkins*.
- Pratt, Daniel D. (2005) *Personal Philosophies of Teaching: A False Promise?* *Academe*, 91(1), 32-35.
- Rolfe, Gary, & Gardner, Lyn. (2006) *Education ,philosophy and academic practice: Nursing studies in the posthistorical university*. *Nurse education in practice*, 6(6), 326-331 .
- Sawatzky, Jo-Ann V, Enns, Carol L, Ashcroft, Terri J, Davis, Penny L, & Harder, B Nicole. (2009). "Teaching excellence in nursing education: a caring framework", *Journal of Professional Nursing*, 25(5), 260-266 .
- Stanley, Mary Jo C, & Dougherty, Jacalyn P. (2010) "A paradigm shift in nursing education: A new model". *Nursing Education Perspectives*, 31(6), 378-380 .
- Watson, Jean. (1994) *Art and aesthetics in nursing: Jones & Bartlett Learning*.
- Watson, J. (2003) *Love and caring: Ethics of face and hand—An invitation to return to the heart and soul of nursing and our deep humanity*. *Nursing administration quarterly*, 27(3).

فاطمه خوشنوا<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پرستاری و مامایی.